



عربی زبان قرآن ۳، دوازدهم انسانی، پویش جهادی دبیرستان ماندگار البرز، استاد نهضت

جلسه اول: ۳۰ مهر ماه ۱۴۰۲

جمله اسمیه: حروف مشبّهة بالفعل + لای نفی جنس

اهداف درس:

۱. دانش آموز بتواند حروف مشبّهة بالفعل را بشناسد و معنای آن ها را بداند.
۲. لای نفی جنس را شناسایی کند و آن را به درستی ترجمه کند.
۳. جملات متن را به طور دقیق و درست ترجمه نماید.

حروف مشبّهة بالفعل

حروفی اند که بر سر جمله های اسمیه می آیند و تغییراتی را در ظاهر و در معنای مبتدا و خبر ایجاد می کنند. این حروف عبارتند از: «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَعَلَّ، لَيْتَ، لَكِنَّ». بنابراین این حروف، بر سر فعل وارد نمی شوند. **إِنَّ:**

۱. معمولاً در ابتدای جمله به کار می رود. به جز در آیات قرآن و احادیث، می توان آن ها را در جمله ها ترجمه نکرد.
 ۲. مراقب باشیم آن را با «إِنَّ» که حرف شرط و با «أَنَّ» که حرف ناصبه است و هر دو بر سر افعال می آیند اشتباه نکنیم. «إِنَّ» هیچ گاه بر سر افعال وارد نمی شود.
 ۳. «إِنَّ» برای تاکید کردن جمله ی اسمیه بر سر آن وارد می شود.
- ترجمه ی «إِنَّ»

أ: «إِنَّ» در ابتدای جمله را می توان به صورت قطعاً همانا، به درستی که، بی گمان، بدون شك، هر آینه، و... ترجمه کرد.

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾: بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.
 إِنَّ: حروف مشبّهة بالفعل/الله: اسم حروف مشبّهة بالفعل و منصوب/ لا يُضِيعُ: خبر اسم حروف مشبّهة بالفعل، محلا مرفوع + فعل و فاعل ضمیر مستتر «هو»/ أَجْرَ: مفعول به/ الْمُحْسِنِينَ: مضاف إليه

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾: بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.
 إِنَّ: حروف مشبّهة بالفعل/الله: اسم حروف مشبّهة بالفعل و منصوب / ذو: خبر اسم حروف مشبّهة بالفعل و مرفوع/ فَضْلٍ: مضاف إليه/ لَكِنَّ: حروف مشبّهة بالفعل/ أَكْثَرَ: اسم حروف مشبّهة بالفعل و منصوب/ النَّاسِ: مضاف إليه و مجرور/ لا يَشْكُرُونَ: خبر اسم حروف مشبّهة بالفعل، محلا مرفوع + فعل و فاعل ضمیر بارز «و»

نکته: گاهی بر سر خبر حرف «إِنَّ» یک لام وارد می شود که به آن «لام ابتدای» گفته می شود و برای تاکید بیشتر در جمله می آید و در حقیقت همان «لا» تاکید است

۳. ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾: بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

إِنَّا: نا: حروف مشبّهة بالفعل + اسم حروف مشبّهة بالفعل و محلا منصوب / ه: مفعول به اول و محلا منصوب/ قُرْآنًا: مفعول به دوم و منصوب / عَرَبِيًّا: صفت مفرد / لَعَلَّكُمْ: حروف مشبّهة بالفعل + اسم حروف مشبّهة بالفعل و محلا منصوب / تَعْقِلُونَ: خبر اسم حروف مشبّهة بالفعل، محلا مرفوع + فعل و فاعل ضمیر بارز «و»

۴. إِنَّ التَّائِبِينَ فَطَرْتُ فِي الْإِنْسَانِ: ...
۵. إِنَّ الصَّغَمَ لَا يَتَكَلَّمُ إِنَّمَّا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمَ الْأَسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَافِنَا:

مترادف
جمله اسمیه
شبهه جمله
جاء مجرور
مذموم
رائع



۶. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرِصُونَ﴾:

۷. إِنَّهُ رَجُلٌ صَادِقٌ وَصَبَّارٌ وَ مُحْتَرَمٌ:

۸. إِنَّ سَيَّارَتَنَا مُعْطَلَةٌ:

۹. ﴿فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾:

۱۰. إِنَّهَا تُطْلِقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مُتتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ بِقُوَّةٍ تُشْبِهُ إِطْلَاقَ السَّهْمِ:

۱۱. إِنَّهَا تَعِيشُ فِي شَمَالِ إِفْرِيقِيَا:

۱۲. قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ: ﴿إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ﴾:

ب: «إِنَّ» هرگاه در میان جمله، و بعد از افعال امر و نهی آمده باشد، معمولاً با «ذیرا» ترجمه می شود.

۱۳. ﴿وَلَا يَجْزِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾:

۱۴. لَا تَغْضَبُ فَإِنَّ الْعَضْبَ مَفْسَدَةٌ:

نکته مهم: «إِنَّ» بعد از فعل قال و شکل های مختلف آن نیز، به کار می رود.

۱۵. يُقَالُ إِنَّهُ قَرَأَ آلَافَ الْكُتُبِ:

أَنَّ:

در وسط جمله و یا بعد از فعل «عَلِمَ وَ ظَنَّ» و مشتقات آن ها می آید و به معنای «که» است. «أَنَّ» برای ربط دادن بین دو جمله به

کار می رود: «التَّوَاصُلُ بَيْنَ الْجُمْلَتَيْنِ»

﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾: گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ سَأَلُوهُ:

أَنَا قَرَأْتُ فِي كِتَابِ التَّرِيبَةِ الدِّيْنِيَّةِ أَنَّ أَوْلَى آيَاتِ الْقُرْآنِ نَزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ (ص) فِي غَارِ حِرَاءِ:

لَأَنَّ:

لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرَائِسَ الْحَيَّةَ:

كَأَنَّ: بیانگر تشبیه، ظن و تردید و به معنای گویی، مانند و مثل است.

﴿كَأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ﴾: آنان مانند یاقوت و مرجان اند.

﴿كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ﴾: گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

لَعَلَّ:

برای آرزوی ممکن و دست یافتنی، یعنی برای «تَرْجِي» به کار می رود و به معنای «شاید»، «امید است» و «باشد که» است.



لَعَلَّ + فعل ماضی: ماضی استمرای و یا ماضی بعید / **لَعَلَّ + فعل مضارع:** مضارع التزامی

لَعَلَّ حمیدٌ یُسَافِرُ: شاید حمید سفر کند. مضارع التزامی

﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾:

لَيْتَ: برای آرزو و تمنای غیر ممکن و یا خیلی سخت به کاری رود و به معنای «ای کاش» است.

﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾:

﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾:

گفته شد: داخل بهشت شو. گفت: ای کاش، قوم من آگاهی میداشتند از اینکه پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامیان قرار داده است.

لَيْتَ + فعل ماضی: ماضی استمرای و یا ماضی بعید / **لَيْتَ + فعل مضارع:** مضارع التزامی

يَا لَيْتَنِي أَذْهَبَ مَرَّةً أُخْرَى: کاش بار دیگر بروم مضارع التزامی

لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجَحُ فِي الْمُسَابَقَةِ: کاش دوستم در مسابقه پیروز شود. مضارع التزامی

لَيْتَنِي أُشَاهِدُ جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِي: کاش همه ی شهرهای کشورم را ببینم. مضارع التزامی

لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ: کاش ناصر از تنبلی دوری می کرد. ماضی استمراری

لَكَنَّ: به معنای «ولی» است و برای رفع ابهام و تکمیل پیام جمله ی قبل از خود به کاری رود.

نکته: مراقب باشیم که «لَكَنَّ» را با «لَكِنَّ» اشتباه نکنیم. «لَكَنَّ» جزو حروف مشبّهة بالفعل نیست و اسمی که بعد از آن می

آید، مبتدا و مرفوع است. همچنین «لَكَنَّ» را با حرف جرّ «لِ» که به ضمیر «كَنَّ» اضافه می شود و «لَكَنَّ»: برای شما زنان، می

شود، اشتباه نگیریم.

وَتَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ وَ لَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً مِثْلَ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ

شَرِّهَا:

ازدادت هذه الخرافات في أديان التائين على مرّ العصور. وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ.

وَلَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ نَذْهَبَ لِرِيَاةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ أَيضًا.

لای نفی جنس:

بر سر مبتدا و خبری آید و مبتدا را به اسم لای نفی جنس تبدیل و آن را منصوب می کند. خبر را مرفوع می کند

لای نفس جنس بر سر اسم می آید و همین نشانه ای است برای این که آن را از لای نهی، لای نفی و لای جواب تشخیص دهیم.

ویژگی های اسم لای نفی جنس:

۱. «ال» ندارد. ۲. تنوین نمی گیرد. ۳. همواره حرکت فتحه دارد. ۴. همواره در زبان فارسی به صورت نکره ترجمه می شود.

به معنای «هیچ ... نیست» است و بر سر اسم می آید.

نکته: اسمی که بعد از لای نفی جنس می آید، باید بی " ال"، بی تنوین، و نکره باشد.

مثال: لا لباس أجمل من العافية: هیچ لباسی زیبنده تر از سلامتی نیست.



همانطور که در مثال بالا می بینید، لای نفی جنس مبتدا را منصوب (لباس) می کند و خبر را مرفوع (أجمل) نگه می دارد.
نکته: اگر خبر در جمله اسمیه فعل باشد، آنگاه در ترجمه از فعل منفی استفاده می کنیم ("نیست" را به کار نمی بریم)

مثال: لا رجُلٌ يذهبُ: هیچ مردی نمی رود.

نکته: اگر لای نفی جنس همراه با اِلّا بیاید خبر لا حذف می شود.

مثال: لا الهَ إِلاَّ اللهُ: هیچ معبودی جز خداوند نیست.

در اینجا برای "لا اله" خبر محذوف است.

۱. لا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلاَّ مَعَ الْفِعْلِ. هیچ خیری در گفتاری نیست مگر اینکه همراه کردار (عمل) باشد.

خَيْرٌ: اسم لای نفی جنس / الْفِعْلُ: مضاف إليه

۲. لا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. هیچ جهادی مانند جهاد با نفس نیست.

جِهَادٌ: اسم لای نفی جنس / النَّفْسُ: مضاف إليه

۳. لا لِبَاسٍ أَجْمَلٌ مِنَ الْعَافِيَةِ. (= السَّلَامَةُ) هیچ جامه ای زیباتر از تندرستی نیست.

لِبَاسٌ: اسم لای نفی جنس / أَجْمَلٌ: خبر لای نفی جنس

۴. لا فَقْرَ كَالْجُهْلِ وَلا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ. هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.